

توازن

علی خزامی فر

کار اصلی نحو برقراری رابطه میان اجزای تشکیل دهنده جمله است به طوری که آن جمله برای اهل زبان پذیرفتنی و قابل فهم باشد. اما نحو، بخصوص در متون ادبی، علاوه بر نقش دستوری، نقش سبکی نیز دارد و معنی و تأثیر و تأکید خاصی را نیز انتقال می‌دهد. به عبارت دیگر «چگونه» گفتن به اندازه «چه» گفتن اهمیت پیدا می‌کند. یکی از مواردی که نویسنده به گونه‌ای خاص و برای بیان معنی و تأثیری خاص نحو را بکار می‌گیرد نوشتن جملات متوازن (parallel) است. توازن (parallelism) به عنوان یکی از صناعات ادبی مبتنی بر این اصل است که اجزاء جمله یا جملات متوالی که دارای «ارزش» برابرند با صورتهای نحوی مشابه بیان می‌شوند. صورتهای نحوی مشابه که نوعی نظم و ریتم در متن ایجاد می‌کنند به خواننده لذت می‌دهد و اندیشه نویسنده به نحو مؤثری به خواننده انتقال می‌یابد. نیز عبارات متوازن وضوح اندیشه را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود خواننده این عبارات را بهتر درک کند و به خاطر بسپارد.

صورتهای نحوی مشابه تنوع بسیار زیادی دارند. اجزای متوازن ممکن است دو یا چند کلمه دارای نقش دستوری مشابه، یا دو یا چند گروه (phrase)، بند (clause) یا جمله دارای ساخت نحوی یکسان باشند. برخی صورتهای متوازن بسادگی قابل تشخیص‌اند. برخی بسادگی از نظر می‌گریزند؛ برخی بسیار پیچیده و ظریف‌اند، برخی بسیار ساده و ابتدایی. در تحلیل متن شناخت اجزای متوازن اهمیت بسیاری دارد. مترجم باید در ابتدا اصل توازن را بشناسد و اجزای متوازن را در متن تشخیص دهد و تا آنجا که امکانات زبان مقصد اجازه می‌دهد آنها را به ترجمه انتقال بدهد. تشخیص و بازسازی اجزای متوازن در ترجمه در مواردی اهمیت پیدا می‌کند که مؤلف عمداً و به قصدی خاص در صدد ایجاد آن بوده است. برای مثال از دانشجویان درس ترجمه خواستیم متن سخنرانی جان اف کندی را که پر از کلمات و عبارات متوازن است ترجمه کنند. دانشجویان که از اصل توازن آگاهی نداشتند متوجه وجود اجزای متوازن متن که عامل اصلی زیبایی و تأثیر متن بود نشدند و تنها در مواردی معدود آنها بطور تصادفی اجزاء متوازن را به ترجمه انتقال دادند. (متن سخنرانی و ترجمه پیشنهادی آن در ادامه مقاله از نظر خوانندگان می‌گذرد). برای آشنایی بیشتر خوانندگان با مواردی از توازن در متون ادبی، نمونه‌های مختلفی را در اینجا نقل می‌کنیم.

1. I came. I saw. I conquered.

آمدم. دیدم. فتح کردم.

در این مثال اندیشه‌ای که از سه جزء هم‌ارز تشکیل شده به صورت سه جمله متوازن، و به نحوی زیبا و مؤثر، بیان شده است.

2. For want of a nail the shoe was lost; for want of a shoe the horse was lost; and for want of a horse the rider was lost.

بخاطر یک میخ نعل از بین رفت؛ بخاطر یک نعل اسب از بین رفت؛ بخاطر یک اسب سوارکار از بین رفت.

در این مثال اجزای متوازن سه جمله متوالی هستند، جملاتی که صورتهای نحوی مشابه دارند و از نظر معنایی به یکدیگر مرتبطند.

3. To know Italian literature is not to know Italy; and to know English literature is not to know England.

شناخت ادبیات ایتالیا شناخت ایتالیا نیست و شناخت ادبیات انگلیس شناخت انگلستان نیست.

در این مثال میان جملات متوازن توازن کامل برقرار است، یعنی دو جزء متوازن از نظر اندازه مساوی هستند. البته لازمه توازن مشابه بودن صورت نحوی اجزا یا جملات متوازن است نه اندازه آنها.

4. I felt myself in rebellion against the Greek concept of justice. That concept excused Laius for attacking Oedipus, but condemned Oedipus for defending himself. It tolerated a king's deliberate attempt to kill his baby son by piercing the infant's feet and abandoning it on a mountain, but later branded the son's unintentional killing of his father as murder. It held Oedipus responsible for his ignorance, but excused those, including Apollo, who contributed to that ignorance.

می‌خواستم بر مفهوم یونانی عدالت عصیان کنم. این مفهوم عدالت لایوس را که بر اودیپ حمله آورده می‌بخشاید اما اودیپ را به گناه دفاع از خود محکوم می‌کند. عمل آگاهانه شاه را در کشتن پسر نوزادش با سوراخ کردن پای او و رها کردنش در کوه بر می‌تابد، اما کشته شدن نابخواست پدر به دست پسر را قتل می‌شمرد. اودیپ را به سبب نادانی‌اش ملامت می‌کند، اما آنان را که سبب ساز این نادانی بودند، از جمله آپولون، می‌بخشاید.

در این مثال اجزای متوازن چندین عبارت فعلی هستند که از نظر معنی با یکدیگر متضادند و با حرف ربط but به یکدیگر ارتباط می‌یابند. اجزای متوازن عبارت فوق را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

That concept

excused Laius for attacking Oedipus	but	condemned Oedipus for defending himself
tolerated a king's deliberate attempt to kill his baby son by piercing the infant's feet and abandoning it on a mountain	but	later branded the son's unintentional killing of his father as murder
held Oedipus responsible for his ignorance	but	excused those, including Apollo, who contributed to that ignorance.

5. Seeing the crowds, he went upon the mountain, and when he sat down his disciples came to him. And he opened his mouth and taught them, saying: "Blessed are the poor in spirit, for theirs is the kingdom of heaven. Blessed are those who mourn, for they shall be comforted. Blessed are the meek, for they shall inherit the earth. Blessed are those who hunger and thirst for righteousness, for they shall be satisfied. Blessed are the merciful, for they shall obtain mercy. Blessed are the pure in heart, for they shall see God. Blessed are the peacemakers, for they shall be called sons of God. Blessed are those who are persecuted for righteousness' sake, for theirs is the kingdom of heaven.

چون خلائق را بدید بر فراز کوه رفت و چون بنشست حواریون گرد او جمع شدند. آنگاه لب به سخن گشود و آنان را چنین تعلیم داد:

خوشا به حال آنان که روحی مسکین دارند زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشا به حال آنان که سوگوارند، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشا به حال آنان که فروتنند زیرا ایشان وارث زمین هستند. خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه حقاند زیرا ایشان کامروا خواهند شد. خوشا به حال آنان که رحیمند زیرا بر ایشان رحم خواهد شد. خوشا به حال آنان که قلبی پاک دارند زیرا ایشان خدا را خواهند دید. خوشا به حال آنان که در پی صلح‌اند، زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد. خوشا به حال آنان که به گناه حق‌طلبی آزار خواهند شد زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

توازن از جمله صناعات ادبی است که بیشتر در متون مذهبی بکار می‌رود. برای مثال می‌گویید یکی از

ویژگیهای بارز نثر ترجمه معروف به ترجمه مجاز کتاب مقدس که سبب محبوبیت این کتاب در طی قرون متمادی شده بود کثرت عبارات متوازن این ترجمه بود. متن فوق برگرفته از انجیل متی باب ۵ است.

6. But one transparent blue morning, when a stillness almost preternatural spread over the sea, however unattended with any stagnant calm; when the long burnished sun-glade on the waters seemed a golden finger laid across them, enjoining some secrecy; when the slippered waves whispered together as they softly ran on; in this profound hush of the visible sphere a strange spectre was seen by Daggoo from the main mast-head.

(موبی دیک : فصل LIX)

اما یک روز صبح شفاف نیلگون که آرامشی بالنسبه مافوق طبیعی بر دریا چیره شده بود هرچند سکون خفگی آوری همراه نداشت شعاع طولانی زرگون آفتاب بر روی آبها همچون انگشتی طلایی دیده می شد که بر روی آبها قرار گرفته باشد و بدان وسیله امر به حفظ راز بدهد و امواج پا پوشیده همچنانکه نرم به پیش می رفتند در گوش هم نجوا می کردند و در این سکوت عمیق محیط پیدا داگو شبح عجیب را از بالای سر دکل به نظر آورد.

در این مثال اجزای متوازن سه عبارت تبعی (subordinate clause) هستند که با کلمه when شروع می شوند. در ترجمه فارسی فراز فوق که برگرفته از کتاب موبی دیک ترجمه پرویز داریوش است، عبارات متوازن در متن اصلی تشخیص داده نشده و طبعاً به فارسی نیز انتقال نیافته است.

7. Who is here so base that would be a bondman? If any, speak; for him have I offended. Who is here so rude that would not be a Roman? If any, speak; for him have I offended. Who is here so vile that will not love his country? If any, speak; for him have I offended.

در اینجا کدام کس چندان پست است که بخواهد بنده باشد؟ اگر کسی هست سخن بگوید، زیرا که من او را آزردهام. کدام کس در اینجا چندان خشن است که نخواهد که رومی باشد؟ اگر کسی هست سخن بگوید، زیرا که من او را آزردهام. کیست در اینجا چندان فرومایه که مملکتش را دوست نداشته باشد؟ اگر کسی هست سخن بگوید، زیرا من او را آزردهام.

فراز فوق بخشی از سخنرانی معروف پروتوس قهرمان تراژدی جولوس سزار اثر ویلیام شکسپیر است. ترجمه این فراز برگرفته از کتاب تراژدی قیصر به قلم خانم فرنگیس شادمان می‌باشد. در اینجا چنانکه می‌بینید پروتوس برای تأثیر بخشیدن به کلام خود از صناعت توازن استفاده می‌کند. در ترجمه، مترجم اجزای تکراری را عیناً تکرار می‌کند - تکرار نیز خود صناعت دیگری است - اما شباهت صورتهای نحوی بخش آغازین جملات را در ترجمه حفظ نمی‌کند: در اینجا کدام کس چندان... است... کدام کس در اینجا چندان... است... کیست در اینجا چندان... .

8. "We observe today not a victory of party but a celebration of freedom, symbolizing an end as well as a beginning, signifying renewal as well as change. For I have sworn before you and Almighty God the same solemn oath our forebears prescribed a century and a half ago.

"The world is very different now. For man holds in his mortal hands the power to abolish all forms of human poverty and all forms of human life. And yet the same revolutionary beliefs for which our forebears fought are still at issue around the globe—the beliefs that the rights of man come not from the generosity of the state but from the hand of God.

"We dare not forget today that we are the heirs of that first revolution. Let the word go forth from this time and place, to friend and foe alike, that the torch has been passed to a new generation of Americans—born in this century, tempered by war, disciplined by a hard and bitter peace, proud of our ancient heritage, and unwilling to witness or permit the slow undoing of those human rights to which this nation has always been committed and to which we are committed today at home and around the world.

"Let every nation know, whether it wishes us well or ill, that we shall pay any price, bear any burden, meet any hardship, support any friend, oppose any foe to assure the survival and the success of liberty".

ما امروز پیروزی حزب را جشن نمی‌گیریم، جشن آزادی را برپا می‌داریم، جشنی که نشانه پایانی و آغازی است. جشنی که حاکی از تجدید حیات و دگرگونی است، چون من در پیشگاه شما و خدای متعال همان سوگند استواری را ادا کرده‌ام که یک قرن و نیم پیش اجداد ما مقرر داشتند.

جهان امروز بسیار تغییر کرده است، چون انسان در دستهای فانی‌اش قدرتی دارد که

می تواند همه اشکال فقر بشری و همه اشکال حیات بشری را از میان بردارد. با این وجود آن عقاید انقلابی که بخاطر آنها اجداد ما مبارزه کردند هنوز در گوشه و کنار جهان مورد بحث است، عقایدی مبنی بر این که حقوق بشر نه از سخاوت دولت بلکه از رحمت خداوند سرچشمه می گیرد.

ما امروز نمی توانیم از یاد ببریم که وارثان آن انقلاب نخستین هستیم. بگذار این سخن از این زمان و از این مکان به دوست و دشمن برسد که مشعل آزادی به نسل جدیدی از آمریکاییان سپرده شده است - نسلی که در این قرن زاده شده، در جنگ آبدیده شده، در صلحی تلخ و سخت انضباط پیدا کرده، به میراث باستانی خود می بالد و نمی تواند شاهد باشد یا اجازه بدهد که حقوق بشر ضایع شود، حقوقی که این ملت همیشه به آن متعهد بوده و امروز نیز در این کشور و در سراسر جهان به آن پای بند است.

بگذار همه ملتها بدانند، چه آنان که خیرخواه ما و چه آنان که بدخواه ما هستند، که ما تا حصول اطمینان از پیروزی و بقای آزادی، هر بهایی را می پردازیم، هر باری را بر دوش می کشیم، هر دشواری را تحمل می کنیم، از هر دوست حمایت می کنیم و با هر دشمن مقابله می کنیم^۱.

اجزای متوازن این قطعه در زیر نشان داده شده است:

We observe today { not a victory of party
but a celebration of freedom,

{ symbolizing { an end
as well as a beginning,
signifying { renewal
as well as change.

For I have sworn before you and Almighty God the same solemn oath
our forebears prescribed a century and a half ago.

The world is very different now. For man holds in his mortal hands

۱ - فن بیان از دیرباز وسیله ای در خدمت سیاستمداران بوده است برای فریب افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر جنایات خود. امروزه تنها شهروندان ساده لوح آمریکایی ممکن است از این شعارها و رجزخوانی ها به هیجان بیایند و آنها را باور کنند و چه خوب است که آمریکاییان این سخنان را که سند تاریخی جنایات آنهاست، به عنوان خطابه های ارزشمند ملی در تاریخ خود ثبت می کنند.

the power to abolish {all forms of human poverty
and all forms of human life. And yet the same

revolutionary beliefs for which our forebears fought are still at issue
around the globe – the beliefs that the rights

of man come {not from the generosity of the state
but from the hand of God.

We dare not forget today that we are the heirs of that first revolution. Let

the word go forth from {this time {to friend
and place, {and foe alike,

that the torch has been passed to a new generation of

Americans – {born in this century,
tempered by war,
disciplined by a hard and bitter peace,
proud of our ancient heritage,
and unwilling {to witness
or permit the slow undoing of those

human rights

{to which this nation has always been committed {at home .
{and to which we are committed today {and around the world.

Let every nation know, whether it wishes us {well
or ill,

that we shall {pay any price,
bear any burden.
meet any hardship,
support any friend,
oppose any foe

to assure {the survival
and the success

of liberty.